



تصویرگر: مهدیه صفائی نیا

## زنده باد صدای دست تنها!

من هم مثل شما این ضرب‌المثل را شنیده‌ام که «یک دست صدا ندارد» یا «با یک گل بهار نمی‌شود». یعنی آدم تنها موفق نمی‌شود. اگر بخواهی کار بزرگی کنی باید تعداد زیادی به هم کمک کنند. (خوب امتحان کنی! با یک دست می‌توانی کف بزنی؟ نه! برای این که صدای دست زدنتان شنیده شود باید هر دو تا دست با هم کار کنند.)

به نظر درست می‌رسد نه؟

اما هر بار که آدم‌های تنهایی را می‌بینم که بی‌خیال تنهاییشان کاری را که می‌دانند درست است انجام می‌دهند به این ضرب‌المثل شک می‌کنم. مثلاً پدر یکی از دوستان من آخر هفته‌ها تنهایی می‌رود و در کوه‌های زاگرس بلوط می‌کارد و تا حالا چند هکتار به جنگل‌ها اضافه کرده یا پسر ده ساله‌ای را می‌شناسم که با مادرش عزمشان را جزم کرده‌اند تا هیچ زباله‌ای تولید نکنند! آن‌ها با تمام توان سعی می‌کنند به ما یاد بدهند که چطور زندگی کنیم تا زباله‌هایمان زمین را نابود نکند! خانم غواصی را می‌شناسم که تنهایی به دریا می‌رود تا قلاب‌های ماهیگیری بگیرد که در دهان کوسه‌ها را بیرون بیاورد. او تا حالا بیش‌تر از صد کوسه را از درد قلاب‌های تیز ماهی‌گیری باقی مانده در دهانشان خلاص کرده من صدای دست تنها را می‌شنوم. خیلی بلند نیست. (چون تنهاست. می‌دانم) اما بی‌نهایت شجاعانه است. چون می‌داند آن‌ها هم مثل ما شنیده‌اند که یک دست صدا ندارد و با یک گل بهار نمی‌شود. می‌توانستند به خودشان بگویند چه فایده؟ از دست من تنها چه کاری برمی‌آید؟ (همان چیزی که خیلی از ما به خودمان می‌گوییم.) اما به جای همه‌ی این‌ها با خودشان گفته‌اند: «من کاری را که می‌دانم درست است انجام می‌دهم تا هر جا که از دستم بریاید.»

پشت این تنهایی، یک روح شجاع و بزرگ است. این که تو کاری را انجام بدهی که خیلی‌ها فکر می‌کنند بی‌فایده است و خودت هم به پیروزی کامل امیدوار نباشی اما با وجود این دل‌سرد نشوی و به خودت بگویی «هر چه از دستم بر بیاید انجام خواهم داد» احتیاج به شجاعت بسیار زیادی دارد.

بچه‌ها خیلی خوب است که دست‌های زیادی به هم کمک کنند و بهار با گل‌های زیادی شروع شود اما نباید همیشه منتظر آن دست‌ها و گل‌ها بود. گاهی یک گل هم امید بهار را زنده می‌کند و یک دست هم می‌تواند صدای بلندی داشته باشد.

مرجان فولادوند